

نبرد خلق

ارگان سازمان چریک های فدایی خلق ایران

ویژه چهل و نهمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

به مناسبت چهل و نهمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

صفحه ۲

قیام خونین آبان ۹۸، دستاوردها و چشم اندازها

سخنرانی زینت میرهاشمی در گرامیداشت چهل و نهمین ۱۹ بهمن حماسه رستاخیز سیاهکل

صفحه ۵



شب شور و حرکت

همایش چهل و نهمین سالگرد
رستاخیز سیاهکل برگزار شد

صفحه ۱۱

واژه گانم را عاشق کن

فتح الله کبابیها

صفحه ۱۲

بگذارید برگردیم

فدریکو_خسوس_گارسیا_لورکا

برگردان: امید آدینه

صفحه ۸

پیامهای رسیده به بزرگداشت

چهل و نهمین سالگرد

حماسه و رستاخیز سیاهکل

صفحه ۹

نسل بی تکرار

مرجان

صفحه ۷

با من بیا

پابلونرودا

(ریکاردو_الیسر_نفتالی_ریس_یاسوآلتو)

برگردان: امید آدینه

صفحه ۷

سه شعر تقدیم به

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

و رفقای به خون خفته سیاهکل

هوشنگ اسدیان (پگاه)

صفحه ۸

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت چهل و نهمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل



خمینی جلاد از همان ابتدا با فرومایگی علیه جنبش پیشتاز فدایی به موضع گیری پرداخت. او در پاسخ به نامه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۰ مسئول اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا، در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۰ نوشت: «باید حادثه سازبها و شایعه پردازانهایی را که در ممالک اسلامی برای تحکیم اساس حکومت استعماری است بررسی دقیق کنید، نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل.» موضع خمینی آن چنان ننگین بود که وقتی این پیام در همان زمان در نشریه «اسلام مکتب مبارز»، ارگان اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا به چاپ رسید، جمله «نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل» حذف شد. (سید حمید روحانی (زیارتی)، نهضت امام خمینی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم پائیز ۱۳۷۴، جلد سوم، ص ۴۸۶-۴۸۷)

خمینی با شم ارتجاعی خود به خوبی از خطراتی که جنبش مسلحانه دوران شاه نهضت ارتجاعی و منفعل او را تهدید می کرد، آگاه بود و برای همین مدت کوتاهی پس از به دست گرفتن قدرت، سپاه پاسداران را ابتدا در ۹ اسفند ۱۳۵۷ به عنوان بخشی از دولت و سپس در ۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ به عنوان یک نیروی مستقل، در اساس برای مقابله با سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران بنیاد نهاد. در این مورد پاسدار علیرضا افشار، سرکرده گروه پژوهشی دانشگاه عالی دفاع رژیم، در مصاحبه با تلویزیون حکومتی جام جم گفت: «در عرصه امنیت که اون ابتدا قبل از جنگ تحمیلی ما ناامنیهایی داشتیم، سپاه بیشتر در اون رابطه شکل گرفت برای مقابله با گروهکهای ضدانقلابی که حالا چریکهای فدایی خلق، مجاهدین خلق که اسلحه به دست گرفته بودند و ترورهای وسیعی انجام می دادند.»

خروش آبان ماه ۱۳۹۸ و مواضع ما

پس از قیام قدرتمند تهیدستان در دی ماه ۱۳۹۶ در بیش از ۱۵۰ شهر، تضاد توده های مردم با دیکتاتوری حاکم افزایش بی سابقه ای پیدا کرد. در سال ۱۳۹۷ جامعه ایران در تب و تاب تغییر و تحول شعله ور بود. در آن سال شاهد ۹۴۷۳ حرکت اعتراضی از جانب نیروهای کار و ۲۴۳ حرکت اعتراضی از جانب دانشجویان بودیم که اخبار آن در ماهنامه «نبرد خلق» و سایر رسانه های سازمان ما منتشر شده است. دو مولفه مهم در جامعه همچنان بر شرایط سیاسی حکم می راند: حکومت قادر نیست به شکل گذشته حکمرانی کند و مردم نیز نمی خواهند به شکل گذشته زندگی کنند. در نیمه اول سال گذشته جامعه سرشار از جوش و خروش بود و سرانجام در هفته آخر آبان ماه با افزایش ناگهانی و اعلام نشده بهای بنزین، افسار گوناگون جامعه را به واکنش واداشت. از شامگاه روز جمعه ۲۴ آبان خیزش مردمی با شتاب سراسر کشور را درنوردید. رژیم در هراس از سرنوشتی از روز شنبه ۲۵ آبان، دسترسی به شبکه اینترنت را در سراسر ایران قطع کرد.

قیام دلاورانه زنان و مردان ایران زمین طی ۶ شبانه روز اساس نظام بیدادگر ولایت فقیه را با تمامی دسته بندیها و باندهای درونی آن به لرزه درآورد. از خوزستان تا خراسان، از کردستان بقیه در صفحه ۳

در ۴۹ سال گذشته جا به جای ایران زمین، هرگاه فرزندان «آفتاب و باد» برای رهایی، دموکراسی و عدالت دست به خیزش و قیام زدند، سرود آفتابکاران جنگل را سر دادند. در واکنش به رستاخیز سیاهکل، محمد رضا شاه مانند همه دیکتاتورها نخواست و نتوانست که ندای جوانان آزادیخواه را تحمل کند و به سرکوبی گسترده روی آورد. رفقا مهدی اسحاقی و محمد رحیم سماعی طی عملیات پس از ۱۹ بهمن به شهادت رسیدند و رفقا غفور حسن پور اصیل، علی اکبر صفایی فراهانی، احمد فرهودی، جلیل انفرادی، محمدعلی محدث قنجدی، ناصر سیف دلیل صفایی، هادی بنده خدا لنگرودی، شعاع الدین مشیدی، اسماعیل معینی عراقی،

روز دوشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ یک گروه کوچک از رزمندگان انقلابی به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل حمله کردند و آن را خلع سلاح کردند. این رویداد که خبر آن به سرعت به گوش همگان رسید، به پژواک درد و رنج میلیونها ایرانی که زیر تازیانه و شلاق دیکتاتوری شاه بودند تبدیل شد و به همین خاطر رویداد حماسی سیاهکل خود را همچون یک رستاخیز به ثبت رساند و در «آن دیار بی فراران» قرار همه مدافعان آزادی و برابری شد. با رستاخیز سیاهکل جنبش نوین کمونیستی ایران از خاکستر خود سربرآورد و نام سازمان پرافتخار چریکهای فدایی خلق ایران بر تارک این جنبش به ثبت رسید.



اسکندر رحیمی مسچی، محمدهادی فاضلی، عباس دانش بهزادی و هوشنگ نیری در بیدادگاههای نظامی فرمایشی به اعدام محکوم و در سپیده دم روز ۲۶ اسفند همان سال به جوخه اعدام سپرده شدند.

این کشتار ددمشمانه با موجی از انزجار و تنفر روبرو شد و برجسته ترین شاعران، نویسندگان، هنرمندان آزادیخواه و پیشرو ترین زنان و مردانی که قلب شان برای آزادی و سوسیالیسم می طپید، از جنبش پیشتاز فدایی به اشکال مختلف حمایت کردند و خونی که از پیکر چریکهای فدایی بر زمین ریخته شد، بدر شورش و خیزش فرودستان و سرکوب شدگان را پرآکنند.

ما هرسال واکنش شاه و خمینی به جنبشی که با حماسه سیاهکل آغاز شد را تکرار می کنیم تا اهمیت و نقش این رویداد در تاریخ ایران معاصر را نشان دهیم.

اسدالله علم در خاطراتش از قول شاه می نویسد: «عزم و اراده آنها اصلا باور کردنی نیست، حتی زنها تا آخرین نفس به جنگ ادامه می دهند، مردها قرص سیانور در دهانشان دارند و برای این که دستگیر نشوند خودکشی می کنند.» (امیر اسدالله علم، من و شاه، یادداشتهای محرمانه دربار سلطنتی ایران، ص ۱۴۶)

سازندگان حماسه سیاهکل پس از چند سال کار تدارکاتی وارد کارزاری شدند که صف بندی بین انقلاب و استبداد را قطعیت بخشید و مرز روشنی با هرگونه طمع ورزی و سالوس صفتی اپورتونیستها ترسیم کرد. رزمندگان حماسه سیاهکل می دانستند که در چه راه پرفراز و نشیبی گام گذاشته اند و آماده بودند تا هزینه تصمیم خود را بپردازند. آنان می دانستند در راهی که برگزیده اند هیچ تقدسی وجود ندارد. آنچه که آنها را پیش می برد، نیروی انسانیت و عشق به رهایی و برابری بود.

رستاخیز سیاهکل گرچه با معیارهای نظامی عملیاتی کوچک بود، اما همین اقدام موج بزرگی را به جنبش درآورد که نه فقط دیکتاتوری شاه را به وحشت انداخت، بلکه همه پوششهای تئوریک که بی عملی را در پس خود پنهان می کرد و همه مصلحت جوییهای رایج که بر پیکر کمونیستها همچون اختاپوس چنگ انداخته بود را از هم درید و همزمان با جنگ تمام عیار علیه دیکتاتوری، سیمای کربه فرصت طلبان عاقبت جو را افشا کرد.

همین کوله بار سرشار از عشق به آزادی و عدالت بود که دغدغه های زنان و مردان آزادیخواه و کمونیست را از سر راه برداشت و موجب تکثیر «آفتابکاران جنگل» شد.

بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت چهل و نهمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

بقیه از صفحه ۲

تا لرستان، از بلوچستان تا آذربایجان، از کلان شهرهایی چون تهران، شیراز، اصفهان، تبریز، کرمانشاه، کرج، اهواز، سنج، مشهد، رشت و ... تا شهرهای کوچک و بزرگ همه استانهای کشور، فرودستان، تهیدستان، به حاشیه رانده شدگان، کارگران، دانشجویان و جوانان «نظم فرتوت و ارتجاعی حاکم را به چالش کشیده و بلوغ کم نظیر بحران و شرایط انقلابی را با فریاد و خون خود در برابر چشم و گوش همگان قرار دادند. هنگامی که عمق استراتژیک جمهوری اسلامی زیر ضربه های جنبشهای سترگ مردم عراق و لبنان و امی رود، در کانون ام القراء انقلاب علیه باندهای فاسد و تبهکار و برای رهایی با گامهای بلند خود خیابانهای شهرهای میهن را درنوردیده و دستان پرتوان خلق بیخاسته با خون و آتش و سرشار از شور رهایی، تاریخ خود را می نویسند.» (بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون قیام پرتوان مردم ایران علیه تبهکاران حاکم، چهارشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۸ - ۲۰ نوامبر ۲۰۱۹)

در بامداد روز یکشنبه ۲۶ آبان، خامنه ای از منبر «درس خارج» فرمان سرکوب بی دنده و ترمز صادر کرد و بر طبق اخبار موثقی که تاکنون منتشر شده، دستکم ۱۵۰۰ تن در این خیزشها و یا در بازجوییهای پس از بازداشت به شهادت رسیده و بیش از ۲۰ هزار تن بازداشت و یا مجروح شده اند.

جمعبندی ما از قیام سترگ آبان چنین بود:

۱- بحران و شرایط انقلابی وارد مرحله جدیدی شده و رژیم حاکم بر ایران با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن در مرکز مشکلات و دشواریهای مردم ایران قرار دارد و منبع تضاد منطقی است که کرامت، ارزشها و غرور آنها را لگدمال می کند. جامعه یک بار دیگر و این بار با توان بیشتر برای تغییر بنیادی این شرایط به پا خواسته است.

۲- قیامهای چند روز گذشته و صدها حرکت اعتراضی طی یک سال گذشته نشان داد که بر خلاف دیدگاه برخی از گروهها و شخصیتهای سیاسی، تحریم و فشار خارجی نه مردم را گوشه نشین و منفعل می کند و نه آنان را در کنار استبداد مذهبی حاکم قرار می دهد.

۳- قیام با وجود سرکوب بیرحمانه و ارتکاب جنایت جنگی علیه شهروندان غیرمسلح، با قدرت به پیش می رود. رژیم به تله افتاده است، گریبان او را نباید رها کرد و باید درهم کوبیدش. در میدان این مبارزه، نفس هر کس که بلندتر است، پیروزی از آن اوست و ایستادگی جانانه مردم دلیر ایران در برابر ماشین سرکوب، در حال از نفس انداختن رژیم فرتوت ولایت فقیه است ... پس به پیش، به پیش!»

خروجی تشدید بحران خارجی، کلان ضربه به نظام

ولی فقیه نظام برای مهار بحران انقلابی داخلی و برای به بیراهه کشاندن انقلاب مردم عراق و لبنان به تشدید بحران خارجی رو آورد و دست به یک رشته تشنه های نظامی در عراق علیه آمریکا زد که در انتها به هلاکت پاسدار قاسم سلیمانی و ابومهدی مهندس انجامید.

پس از این کلان ضربه، کارگزاران سیاسی و امنیتی رژیم، آمریکا را تهدید به «انتقام سخت» کردند. ابتدا با به راه انداختن نمایش جنازه گردانی کوشش کردند با صرف هزینه های کلان ضربه خیزش آبان و هلاکت قاسم سلیمانی را با مرده سواری ترمیم کنند. نمایش خاکسپاری جنازه سلیمانی تبهکار منجر به یک فاجعه انسانی دیگر در کرمان شد که دهها تن در ازدحام ساخته و پرداخته شده جان خود را از دست دادند و تعداد بیشتری مجروح شدند. همزمان، سپاه پاسداران در همان هنگامی که موشک بی خطر و اثر به طرف آمریکا پرتاب می کرد، یک هواپیمای مسافربری را سرنگون کرد و ۱۶۷ مسافر و ۹ خدمه آن را گرفت. پنهانکاری ۷۲ ساعته

حاکمیت و اعتراف به آن پس از فشارهای داخلی و بین المللی، خشم و نفرت جامعه را برانگیخت. دانشجویان که در ۱۶ آذر و در سراسر کشور علیه کل نظام باخاسته بودند، این بار هم همراه مردم قیام کردند. خروش دانشجویان دانشگاههای تهران به سرعت مورد حمایت مردم، دستکم ۲۰ شهر و در دهها مکان قرار گرفت و طی چهار روز زنان و مردان آزادخواه، ولایت، ولی فقیه و قاسم اش را شستند و آویزان کردند.

توده برخاسته برخلاف ادعای کسانی که به بهانه کشته شدن یکی از جنایتکارترین سرکردگان سپاه و با توجیه «خطر جنگ»، به شکلی مضحک (مستقیم و در لافافه) به سود رژیم تبلیغ و ترویج می کردند، طی چهار روز خیزش و جنبش، تمام هیاهوی توخالی این معرکه گیری مضحک را در غریو شعرهای خود محو کرد.

مردم فریاد می زدند: «مرگ بر دیکتاتور/ مرگ بر اصل ولایت فقیه/ جمهوری اسلامی نمی خواهیم نمی خواهیم/ خامنه ای قاتله، ولایتش باطله/ سپاه جنایت می کند، رهبر حمایت می کند/ دیکتاتور سپاهی، داعش ما شمایی/ دشمن ما همین جاست دروغ می گن آمریکاست/ سلیمانی قاتله، رهبر شمش خائنه/ مرگ بر این ولایت، این همه سال جنایت/ مرگ بر خامنه ای/ ننگ ما ننگ ما، رهبر الدنگ ما و ...» بدین ترتیب «تدبیر» تشدید بحران خارجی به «تنبیه» بی سابقه رژیم جمهوری اسلامی و در راس آن خامنه ای تبدیل شد.

تشدید جدال در هرم قدرت

در سال گذشته به موازات تعمیق و اعتدالی انقلابی و گسترش خیزشهای مردمی، تضادهای درونی در هرم قدرت شدت و حدت بی سابقه ای پیدا کرد. جدال بین باندهای درونی رژیم بر سر کنوانسیونهای مقابله با تامین مالی تروریسم (CFT) و مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی (پارامو)، جدال بین باند روحانی با شورای نگهبان گوش به فرمان خامنه ای، مساله به اصطلاح مبارزه با «چپاولگران» اموال عمومی و ... از جمله مواردی است که باندهای درون حاکمیت بر سر آن تضاد واقعی دارند. این تضادها تا کنون تحت تاثیر وحدتی که این باندها پیرامون سرکوب مردم و مهار جنبش براندازی دارند، تعیین تکلیف نشده است. نقشه راه خامنه ای با عنوان «جوان گرای» که با برگماری یک جلا و قاتل در راس قوه فاسد قضایی کلید خورد، به احتمال زیاد به قلع و قمع باند موسوم به «اعتدال» و زائده به اصطلاح «اصلاح طلب» آن در شعبده بازی انتخاباتی یازدهمین دوره مجلس در روز ۲ اسفند امسال ختم می شود. پس از آن خامنه ای درصدد است تا یک غلام حلقه بگوش خود را که هوای یایگیری احمدی نژاد به سرش نزند، با یک نمایش قالبی به مسند ریاست جمهوری برگمارد. بدیهی است که هرچه خامنه ای به عنوان فرد اول نظام می خواهد، نمی تواند به طور صددرصد عملی کند. ریزش از بدنه رژیم، توازن قوا را به طور مداوم تغییر می دهد. مهمتر از آن وجود بحران انقلابی و قیامهای مردمی است که می تواند تمام نقشه های خامنه ای به طور خاص و برنامه های کل نظام به طور عام را برهم زند.

زنان و مردان آزادیخواه!

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آغاز پانزدهمین سال تولد خود با ابراز خرسندی از رشد کم نظیر آگاهی و مبارزه محرومان و ستمدیدگان، همچنان به مبارزه تا رسیدن به دنیایی عاری از ستم، تبعیض و استثمار و برای آزادی، دموکراسی، نابودی ستم جنسیتی، مذهبی، ملی، صلح و پیشرفت، عدالت و جدایی دین از دولت ادامه می دهد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران خاطره همه زنان و مردان دلیر جنبش پیشتاز فدایی را که در زندانهای شاه و شیخ، در پای چوبه های دار، در پیکار با دشمن و در راه هدفهای سترگ جنبش کمونیستی ایران به شهادت رسیدند، گرامی می دارد. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران شهادت بیش از ۱۵۰۰ تن از قیام کنندگان آبان ماه، جان باختن ۱۷۶ تن از سرنشینان هواپیمای اوکراینی و کشته شدن نزدیک به ۷۰ تن از مردم کرمان در کارناوال مرده سواری قاسم سلیمانی و ... را به خانواده و بستگان آنان و به مردم ایران تسلیت می گوید و از مجامع بین المللی می خواهد که در همکاری با دولتهای کانادا

و اوکراین به رژیم ایران برای دست برداشتن از پنهانکاری و ارسال جعبه سیاه هواپیما به اوکراین فشار مکفی و عملی وارد کند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران همبستگی خود را با قیام مردم عراق و لبنان اعلام کرده و با گرامیداشت خاطره شهدای جنبش آزادی خواهی مردم این دو کشور، فقدان آنان را به خانواده و به مردم لبنان و عراق تسلیت می گوید.

مواضع ما پیرامون شرایط کنونی شفاف و صریح است و همان گونه که در بیانیه ها و گزارشهای سیاسی اعلام شده، ما این شرایط را «وضعیت انقلابی» ارزیابی کرده ایم.

به گمان ما «ستیز توده ها با حاکمیت در تمامیت آن، تضاد بین قدرت حقیقی و قدرت حقوقی، تضاد بین مناسبات بورژوازی حاکم با رونمای ناسازگار سیاسی (استبداد دینی) و تضاد نظام جمهوری اسلامی با کشورهای دیگر (آمریکا، اروپا و خاورمیانه) شدت و حدت بی سابقه ای پیدا کرده است. در تاریخ صد ساله کشور ما، هیچگاه تضادهای اساسی جامعه به این میزان عمیق و درهم تنیده نبوده است» و بنابراین تاکید کرده ایم: «ما قیام همگانی و استفاده از تمامی اشکال مبارزه را حق مسلم مردم ایران می شماریم. سازمان ما ایجاد هسته های مخفی مقاومت، تشکیل هسته های کوچک رسانه ای و خبررسانی، ایجاد کمیته های مخفی عمل و شوراهای هماهنگی، سازمانیابی برای نافرمانی مدنی و ... را راهکارهای ایجاد بی شمار کانونهای شورشی می داند. این راهکارها اشکال مناسب و عملی برای هماهنگی مبارزه کارگران، معلمان، کارمندان، مزدبگیران، پرستاران، دانش آموزان، دانشجویان و جوانان، زنان، روشنفکران، فرهنگیان و هنرمندان است و ما به سهم و توانایی خود در این مسیر تلاش می کنیم.»

خواست اولیه و مقدم مردم ایران، سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی حاکم با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن و به سرانجام رساندن انقلاب دمکراتیک و استقرار یک نظام دمکراتیک و عرفی است.

ما از مبارزه به حق کارگران، معلمان، پرستاران، کشاورزان و همه مزدبگیران علیه نظام حاکم و سرمایه داری لگام گسیخته که تعرض آن به سطح زندگی و معیشت مردم دامنه بی سابقه ای یافته، حمایت می کنیم. مزد عادلانه و زندگی شایسته،

حق اعتصاب، ایجاد تشکلهای مستقل و نظارت سازمان بین المللی کار بر تامین حقوق مزدبگیران، حق مسلم نیروهای کار ایران است و ما به طور پیگیر از آن حمایت می کنیم.

ما نهادهای مدافع حقوق بشر، سندیکاها و اتحادیه های نیروهای کار را به پشتیبانی از مبارزه و مقاومت مردم ایران فرامی خوانیم و از همه کشورهای جهان می خواهیم که کلیه مناسبات اقتصادی خود با رژیم ایران را مشروط به قطع شکنجه و اعدام و رعایت حقوق بشر در مورد شهروندان ایران کنند و حق مردم ایران برای تغییر رژیم حاکم به دست خودشان را به رسمیت شناسند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران یازدهمین دوره شعبده بازی انتخابات مجلس ارتجاع را تحریم کرده و تبلیغ و شرکت در این نمایش ضد مردمی را علیه منافع مردم ایران می داند. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران همه ایرانیان آزادخواه را به اتحاد و مبارزه برای ایجاد جبهه همبستگی به منظور سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و ایجاد یک جمهوری سکولار، دمکراتیک و مستقل فرا می خواند.

«ما بی شمارییم و برای سرنگونی رژیم استبدادی

مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد

آزادی»

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سه شنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۸ - ۴ فوریه ۲۰۲۰

به مراسم یادمان رستاخیز سیاهکل خوش آمدید



دوستان، رفقا، همزمان، به همایش چهل و نهمین سالگرد سیاهکل خوش آمدید!

دهه هاست که ۴۹، اسم رمز و فرمان آتش یک جنبش نوین در تاریخ سیاسی معاصر است. چه تصادفی که امروز، سال شروع حادثه، شماره عمری هم هست که از آن گذشته. در گذر این همه سال بسیار فاکتورها تغییر کرده، شرایط دگرگون شده و زاده ی سیاهکل فراز و نشیبهای بسیاری را پشت سر گذاشته. او ناچار بوده با زخم سرکوب و خیانت بر تن، در چشم توفان زندگی کند.

با این حال دو چیز تغییر نکرده و اولین آن رویایی است که علی اکبر صفایی فراهانی و پاکبازان گروه جنگل در سر داشتند و برای گشودن راه آن به زندگی، جنگیدند. در رویای سرخ و صریح آنها آزادی، ملتی اسیر را در آغوش می گرفت و عدالت، بازوانش را برای دربرگرفتن فرودستان و نفرین شدگان از هم می گشود. همه آنها که از آستان جنگل برفی سیاهکل پا به راه گذاشتند و آنها که دیروز و امروز بر سرنوشت شان شوریدند، دل در این پندار ممکن، این جانمایه زندگی انسانی داشته و دارند.

تغییر ناپذیر همچین زندگی ابدی ۱۵ سرو ایستاده جنگل گیلان در یاد و خاطره مردم این سرزمین و تاریخ آنهاست. سینه توده ها نگاهبان بسیاری حماسه ها، روزها و دوره های غرور آمیز میهن است و کسانی که خشت وجودشان این یادمان ها را ساخته. در یادمان آنها، مردم امید به روزهای بهتر را در دل می پرورند، روشنائیهای دلگرم کننده در روزگار سیاه را پاس می دارند و از امکان ظهور تواناییهای فراتر از ناتوانی اکنون خویش، نیرو می گیرند. داستان حماسه هایی که در ذهن مردم خانه کرده، آن نیروی بیدارکننده ای است که رهنویان و عاشقان، حسرت زده ها و ستمدیده ها را فرامی خواند که می توان واقعیت موجود را پشت سر گذاشت و بر فراز آن ایستاد. هر چه شب تیره تر، شعله این امید گرم و روشنائی بخش تر.

آری، در آن روزهای سخت و سیاه کودتا، آنگاه که سربازان و ژنرالها با چکمه های خونین روی آرزوها و غرور مردم شکست خورده رژه می رفتند و وقتی آنها که وظیفه شان اعتراض و مقاومت بود، تسلیم شده یا به کنج آسوده ای خزیده بودند، مسعود احمد زاده و بیژن جزنی، حمید اشرف و علی اکبر صفایی صدای تندر سای عصیان شدند.

چریکهای فدایی با اراده تغییر و شهامت آغاز آن، سد بهانه های تئوریک، عافیت جویی و ترس را فرو ریختند و برای پیشروان توده در دانشگاه و کارخانه، مدرسه و مزرعه راه و نشان گذاشتند. آنها با خون خود ثبت کردند که پاسخهای تاریخی، محصول پاسخ به ضرورتهاست و نه شرایط ایده آل. چون تاریخ همیشه بهترین و مطمئن ترین شرایط را برای حرکت و دگرگون ساختن شرایط موجود در اختیار نمی گذارد، اما در انتظار چنین لحظه ای نیز نمی توان نشست و باید پذیرفت هیچ راه حل آسانی برای چالشهای بزرگ، به بزرگی آزادی و حیات یک ملت، وجود ندارد.

حرکت توفانی چریکهای فدایی و نافرمانی آنها در آن دوران سکوت و پذیرش، آرامش کسانی که به انتظار معجزه شرایط نشسته بودند را برهم زد و چرت دسته دیگری را که زیر پرچم "برادر بزرگ"، بر تشک نرم "انقلاب سفید" لمیده بودند، گستاخانه پاره کرد. خیرگی افقی که گشوده شده بود، برای میانه بازهای سیاسی و ارتجاع مذهبی، سوزنی بود که در نگاه مات و رو به عقب شان فرو می رفت.

همان صداهایی که امروز برآشتگان آبان و دی را به افراط گری، زیاده روی، خشونت گرای و تحریک

نگه دارد. آنچه که آنها برای زندگی در طراز انسان عصر خود می خواستند، نه فقط می بایست در برابر تهاجم از درون و بیرون تاب بیاورد، بلکه ارزش آن را داشت که حتی برایش جان بپسارند

این همان قلب سرکش و فدایی ای است که در سینه ۱۵۰۰ شهید امسال می تپید. آنها نیز شانه به شانه از جان خود گذشتند تا امید یک ملت به فردای بهتر، شاد و آسوده زنده بماند و روح دلآوری با

تمام شکوه و غرورش بر جان هزاران و صد هزاران که از پس آنها راهی میدان هستند، بدمد. شهیدان خلق از بهمن تا دی بیهوده نمرده اند، این ملت دوباره به پا خاسته است تا جنگی که شاه و شیخ علیه اش آغاز کردند را تا به آخر پیش ببرد و تاریخ خود را کلمه به کلمه از نو بنویسد...

به پاس آنها و به یاد زندانیان سیاسی و اسیران قیامهای آبان و دی بایستیم و دقیقه ای سکوت کنیم.



جلادان و قصابان متهم می کنند، همانها که به جای پرخاش به فرادستان غارتگر و خونریز، فرودستان به جان آمده را نکوهش می کنند، همین ارکستر دائمی، مبارزه انقلابی و مقاومت جانانه در برابر رژیم شاه را نیز زیر ضرب می گرفت و با جعل درس اخلاق و آیه آکادمیک به خرابکاری در جبهه خیزش و انقلاب و شکستن روحیه نیروهای آن مشغول بود.

اما چریکهای فدایی به جلو نگرستند و اجازه ندادند باد مخالفی که به صورتشان می خورد، از پیشروی بازشان

قیام خونین آبان، دستاوردها و چشم اندازهها

سخنرانی زینت میرهاشمی در گرامیداشت چهل و نهمین ۱۹ بهمن حماسه رستاخیز سیاهکل

شهر، اعتصابهای طولانی کارگران گروه ملی فولاد اهواز و کارگران نیشکر هفت تپه، گردهماییهای گوناگون معلمان، بازنشستگان و پرستاران، تجمع و اعتصاب در واحدهای مختلف پتروشیمی، گردهماییهای مدافعان محیط زیست بودیم.

به مسایل امروز جنبش ضد دیکتاتوری ولایت فقیه می پردازم.

قیام خونین آبان ۹۸، دستاوردها و چشم اندازهها



«قیام هفته آخر آبان ماه همین امسال که با توسعه در کلان شهرها مساله سرنوشتی رژیم را نه به مثابه یک امر کلی که همچون یک مساله مشخص به کف خیابان آورد. در این قیام سرنوشت ساز بیش از ۱۵۰۰ تن از زنان و مردان میهن ما توسط مزدوران حکومت و به فرمان خامنه ای به شهادت رسیدند و هزاران تن زخمی و بازداشت شدند.

«ماجرایی خامنه ای در تشدید تضاد با آمریکا که منجر به هلاکت فاسم سلیمانی شد، به نظر می رسد که یک فرصت برای رژیم ایجاد کرده که با مرده سواری و نمایش جسد یک تروریست جهانی بتواند صحنه سیاسی را تغییر دهد. اما محاسبه غلط رژیم در واژگونی هوایمی اوکراینی و دروغ پردازی ۷۲ ساعته پیرامون آن، همه تبلیغات رژیم را نقش بر آب کرد و مردم در سراسر ایران طی چند روز، رژیم را به چالش کشیدند.

قیام آبان نقطه عطفی در جنبش ضد دیکتاتوری، ضد سرمایه داری انگلی، ضد قدرت حاکم فاسد است. این قیام سرفصل جدیدی در مبارزه مردم ایران باز کرده است. به راستی می توان گفت دو جبهه کامل شکل گرفته که همه را مجبور به تعیین تکلیف کرده است. دو انتخاب، تقویت رژیم یا تقویت جنبش مردمی که در آن همه افشار تحت ستم جامعه شرکت دارند. از لایه های گوناگون نیروهای کار، فرودستان و تهیدستان، تا ارتش بیکاران و از لایه های پایینی و میانی بخش متوسط جامعه تا مردم آواره شده حاشیه شهرها.

پاسدار حسین نجات، از سرکردگان سپاه پاسداران با تحقیر از شرکت فرودستان در خیزشها حرف زد و گفت: «در مدل جدید براندازی، تکیه بر افراد فرودست جامعه و کسانی است که محصول حاشیه نشینی و بی سوادی هستند و در فضای مجازی آلوده شده اند.»

رژیم ولایت فقیه طی ۴ دهه با همه امکانات خود، تاریخ مردم ایران را آن طور که خودش می خواست نوشت. تولیدات ارتجاعی خود را در داخل به مردم تحمیل و به خارج صادر کرد. از تغییر کتابهای درسی، رشد قاچ گونه تشکلهای مزدور با بودجه های کلان دولتی و حمایت ولی فقیه برای تبلیغ دین حکومتی و... بقیه کارها که خود خبر دارید را می توان شمارش کرد، اما موفق نشد مردم و به ویژه جوانان و به خصوص زنان را تابع اندیشه های ارتجاعی خود کند.

تاریخ را مردم می سازند. انقلاب را مردم به ثمر می رسانند. رویدادهایی که شرایط بحرانی ایران را امروز رقم می زند مانند ساختمانی با بلوکهای از پیش ساخته شده نیستند. اعتراضهای مردمی است که این رویدادها را ساخته است و در کاکل آن قیام خونین آبان ۹۸ است. قیامی که هرگز به رژیم آرامش نخواهد داد. فاصله خیزشهای مردم علیه رژیم را در نظر بگیریم، فاصله زمانی کوتاه تر شده است. شعارها و عملهای انقلابی رادیکالتر و هدمندتر، گسترده تر و سراسری شده است. این خیزشها، نشون میده که طوفانی برای تحولات بزرگ و در قدم اول سرنوشتی رژیم دینی آغاز شده است.

«جنبش دانشجویان و جوانان که با حمله به کوی دانشگاه تهران آغاز شد و از ۱۸ تیر تا ۲۳ تیر سال ۱۳۷۸ جریان داشت،

«خیزشهای سال ۱۳۸۸ که به ویژه پس از ۶ دی آن سال (روز عاشورا) شعار مرگ بر اصل ولایت فقیه را به ثبت رساند.

«قیام دی ماه ۱۳۹۶ که در بیش از ۱۵۰ شهر به مدت ده روز تمام ارکان حکومت را به لرزه درآورد.

با درود به شما و سپاس که در گرامیداشت رستاخیز سیاهکل حضور دارید.

با درود و گرامیداشت یاد و نام رفقای پیشتاز فدایی، آفرینندگان جنبش نوین کمونیستی و رستاخیز سیاهکل. با درود به فرزندان آفتاب و باد که جانشان را در مبارزه علیه استبداد و نگاه داشتن پرچم انقلاب فدا کردند.

درود به زندانیان سیاسی و افتخار به آنان که در برابر بی ستاره کردن آسمان ایران از طرف رژیم، مقاومت کرده و مشعل فروزان مبارزه مردم ایران برای آزادی را در دست گرفته اند.

هزاران درود و بوسه به گونه و دستهای مادران سیاه پوش، داغداران زیباترین فرزندان آفتاب و باد که فرزندان شان با فریاد مرگ بر دیکتاتور جان فدا کردند و تردیدی نیست که در دامان بی شمار مادران، زنان و مردان قهرمانی تکثیر خواهند شد.

با جانهای شیفته آزادی که در راه برابری جان فدا کردند پیمان می بندیم که برای نشانیدن لبخند پیروزی بر چهره های مادران، پدران، فرزندان و همسران رنج کشیده و داغدار ایران زمین دست از دادخواهی بر نمی داریم، فراموش نمی کنیم و نمی بخشیم و در ایران آزاد شده فردا، محاکمه قاتلان و شکنجه گران را به دادگاه عادلانه بر طبق معیارهای شناخته شده جهانی واگذار کنیم.

اکنون که وارد پنجاهمین سالگرد حیات سازمان چریکهای فدایی خلق ایران می شویم، آتش فروزان انقلاب رهایی بخش خلق بپاخواسته در سراسر ایران می درخشد. هدف رزمندگان سیاهکل آزادی، دموکراسی، برابری، صلح و سوسیالیسم بودو آنها می دانستند که این مسیر آسان و بدون هزینه نیست و برای همین از همه چیز، تاکید می کنم همه چیز خود گذشتند تا مردم ایران به کرامت و زندگی انسانی دست یابند. آنها کمونیستهای بی عملی که فقط نظریه پردازی کنند نبودند. آنها معیار و محک تئوری را عمل می دانستند. آنها از نظریه عمیق مارکس دفاع می کردند که گفت: «فیلسوفان تا کنون تنها جهان را به شیوه های گوناگون تفسیر کرده اند، اما مساله اصلی تغییر جهان است.» (تزهایی درباره فویرباخ، شماره ۱۱)

دوستان عزیز، سیاهکل آذرخشی بود که صحنه سیاسی جامعه ایران را به کلی دگرگون کرد و نام و نشان خود را بر تاریخ ایران زمین به عنوان یک نقطه عطف به ثبت رساند. جای تعجب ندارد که دشمنان سوگند خورده آزادی و رهایی مردم ایران، به ویژه پایوران استبداد مذهبی حاکم، برای مخدوش کردن سیمای درخشان چریکهای فدایی خلق ایران به شیوه های مختلف لجن پراکنی می کنند و یاران این رستاخیز تاریخی، به هر شکل که بتوانند، آن را گرامی می دارند. حضور همگی ما در این مراسم، همچنین ادای احترام به ۱۵ رزمنده ای است که در بامداد روز ۲۶ اسفند سال ۱۳۴۹ اعدام شدند.

دوستان عزیز، برای ترسیم چشم اندازههای پیش رو و کند و کاو مسایل روز، تجزیه و تحلیل رویدادهایی که از سال ۸۸ تا ۹۸، یعنی طی یک دهه در ایران اتفاق افتاده، ضروری است. دستاوردها و ارزشهای انقلابی و تجربه های به جای مانده، سرمایه ما برای پاسخ به مسایل روز و به تصویر کشیدن آینده است.

بر این منظر، با وفاداری به ارزشها و آرمانهای رفقای سیاهکل که در سرنوشتی دیکتاتوری موروثی ثمر داد،

قیام خونین آبان، دستاوردها و چشم اندازها

سخنرانی زینت میرهاشمی

بقیه از صفحه ۵

ملاحظه می کنید که نیروهای سرکوبگری که مدعی دفاع از «مستضعفان» بودند، چگونه تحت فشار خیزشهای مردمی، جای واقعی خود در جبهه ستمگران و چپاولگران را نشان می دهند.

اجازه دهید خیلی خلاصه به مهمترین دستاوردهای قیامهای مردم بپردازم. حتما شما هم نکته هایی به نظراتان می رسد که می توان اضافه کرد و مایلم در بخش دوم مراسم امشب آنها را گوش کنم.

تضاد مردم با هیات حاکمه آن چنان تشدید شده که هیچ راه حلی برای کاهش این تضاد و به عبارتی برای برون رفت از شرایط بحران انقلابی با باقی ماندن این رژیم وجود ندارد. مشکل مردم ایران رژیم حاکم است. به این معنا جامعه برای تغییر بنیادین به پا خاسته است. دستاورد قیامهای مردم، خط باطل کشیدن بر همه جناحهای درون حکومت، مبارزه علیه هر نوع استبداد، چه سلطنت و چه حکومت دینی است. مردم می خواهند سرنوشت خود را از دستان چپاولگران حکومتی خارج کرده و خود بر دست گیرند. شوراها به پا کنند. انتخابات آزاد برگزار کنند، تبعیض مذهبی، جنسیتی، قومی و ملی را براندازند و نظام مبتنی بر عدالت اجتماعی بنا کنند. از اینرو علیه همه نهادهای حکومتی هستند که مانع رسیدن به آزادی هستند و برای به زیر کشیدن این نظام مبارزه می کنند.

این وضعیت جامعه را دو قطبی کرده است. قطب جنبش تغییر بنیادین و به دست گرفتن سرنوشت خود و سرنگون کردن جمهوری اسلامی و همه دم و دنبالچه هایش، حمایت انبوهی از نخبگان، همچون هنرمندان، خبرنگاران، ورزشکاران و ... که بسیاری از آنان در گذشته به سود حاکمیت تبلیغ می کردند، از خیزش مردم از دستاوردهای بلوغ شرایط انقلابی و جنبشهای رادیکال مردم است.

همچنین باید به نقش بی بدیل زنان در خیزشها دست گذاشت که این نشانی از عمق مبارزه سرنوشت ساز مردم ایران است.

به سخره گرفتن شکنجه و زندان و سرکوبگری رژیم از دیگر دستاوردهای قیام مردم است. به راستی جمله زیبای زنده یاد پویا بختیاری را باید فراموش نکرد. وی با شرکت فعال در قیام و خبررسانی گفت؛ من هم پسر کسی هستم! می توان گفت نقش آفرینان قیام با عمل خود اعلام کردند که «کسی» هستند و رژیم دیگر نمی تواند آنها را نادیده بگیرد.

اما قطب دیگر را حاکمیت با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن و کسانی که در حفظ این رژیم منافع دارند، تشکیل می دهد. کسانی که سرنوشت خود را با قدرت حاکم گره می زنند، فریبکارانه و شیادانه می خواهند این باور را به مردم تحمیل کنند که می توان تغییر از بالا یعنی از درون حکومت عملی شود. نامه نگاری به جلادان و در راس آن به خلیفه ارتجاع، تبلیغ برای شرکت کردن در نمایش انتخاباتی با هدف انتخاب بین بد و بدتر از جمله رفتار این گونه افراد و دسته جات است. آنها با تبدیل شدن به بلندگوی رژیم برای ساده سازی جنایتها و خشونت‌های حکومتی از یک طرف و ضربه زدن به مقاومت مردمی ایران عمل می کنند.

کسانی که در این قطب فعال هستند، مردم را از «داعش و سوریه ای شدن» می ترسانند. از جنگ و تکه تکه شدن ایران و خلاصه از همان «دشمن» ی می ترسانند

شعارها در قیام آبان از دلها و خانه ها به سطح خیابان کشیده شد.

برآمد این دستاوردهایی که بر شمرديم این است که چه قطبی را باید تقویت کرد. میانه وجود ندارد. هرکس مجبور است در یک جبهه ثبت نام کند. تضاد اصلی چیست؟ و در برابر اینها چه چشم اندازهایی را می توان تصور کرد. البته طبیعی است که افق آینده را نمی توان از پیش پیش بینی کرد اما با نگاهی به رویدادهای روز دو راه در برابرمان است. تقویت چشم اندازهایی که به پیروزی و ثمر رسیدن انقلاب مردم کمک می کند یا ادامه وضع موجود به نفع رژیم و در نتیجه تداوم جهل و جنایت.

اما چشم اندازها

این قسمت موضوعی است که می دانم دوستان و رفقای شرکت کننده حتما نظر دارند و در قسمت بعد به نظراتان گوش خواهیم داد.

بحران در جامعه و در درون هرم قدرت بسا عمیق تر و دامنه دار تر از آن است که به شیوه های معمول بتوان



او با چشمان باز به جنایت و خشونت
بی رحمانه ولایت فقیه فریاد می زند.
خامنه‌ای و مزدورانش دیگر قادر نخواهد بود
که دیدگان باز شده این شهیدان را ببندند.
زینت میرهاشمی

بر آن غلبه کرد. برخی از وابستگان به باند ولی فقیه این بحران را به خوبی به تصویر کشیده اند.

هشدار گروهی از فعالان دلواپس که سابقه مسئولیت در بسیج دانشجویی دارند، در نامه به خامنه از «اضمحلال نظام و رویگردانی کنیری از مردم از دین و حکمرانی دینی» خبر داده اند. این نامه را سعید زیباکلام، استاد فلسفه دانشگاه تهران، در کانال تلگرامی خود با امضای ۱۰۰ نفر از فعالان به اصطلاح اصولگرا منتشر کرده است. در این نامه آمده است: «اگر جمهوری اسلامی دست به اصلاحات اساسی، بنیادین و ساختاری نزنند و در سیاستهای راهبردی فعلی تجدید نظر نکنند و اراده جدی برای فهم واقعیت دردهای مردم و شنیدن فریادهای ناراضی آنها و به رسمیت شناختن حق اعتراض شان نداشته باشد، نه تنها این دست اعتراضات هیچگاه تمام نخواهد شد، بلکه در ابعاد گسترده تری در آینده ادامه خواهد یافت.»

بنابراین اولین نکته ای که در مورد چشم انداز می توان با قطعیت گفت، ادامه بحران و شرایط انقلابی است. نقشه خامنه ای برای مهار بحران به اصطلاح «جوان سازی» است. خبرگزاری حکومتی فارس وابسته به سپاه پاسداران در روز ۲۷ آذر امسال «نوید تغییر اساسی و تحول اساسی در نظام مدیریتی کشور» را می دهد و می نویسد: «انشالله نوید این تغییر اساسی و تحول اساسی در نظام مدیریتی کشور با حرکت مردمی و

که جمهوری اسلامی ۴۰ سال است از آن استفاده می کند. به راستی کشاورزان اصفهان چه آگاهانه شعار «دشمن ما همین جاست، دروغ میگویند آمریکاست» را سر دادند.

البته باید گفت همه این کارها و نگرانیهای این دلواپسان را رژیم خود به عنوان پدرخوانده داعش بر سر مردم ایران آورده است. استعمار، غارت و چپاول، بهره مندی از روشهای استعمارگرانه و رواج سرمایه داری نئولیبرال از نوع اقتصاد شبه دولتی، خصولتی سازی، فامیلی سازی و قومی سازی. تبدیل بازارهای ایران به کالاهاى بنجل چینی، تعظیم در برابر روسیه و چین. سرکوب هر نوع اندیشه و تفکر دینی غیر از دین حکومتی، غارت اموال اقلیتهای دینی و محروم کردن آنها از تحصیل... در مورد زندانیان سیاسی تجاوز به زنان و مردان در زندان، کشیدن

خون زندانیان، تزریق مواد ویژه به زندانیان برای اعتراف گیری، خودکشی کردن، تجاوز به دختران بکره قبل از اعدام، ... همچنین اجرای قانون قصاص از سنگسار، قطع دست، شلاق، تا درآوردن چشم، برپایی طنابهای دار در مکانهای عمومی، و ...

می دانیم که این رژیم است که سوریه را با دفاع از بشار اسد تبدیل به سوریه ویران کرد و حالا هر کسی دلش می سوزد لطفاً از رژیم حمایت نکند تا ایران تبدیل به سوریه نشود. آنچه که در ایران می گذرد سوریه ای شدن پنهان است. خلاصه این رژیم حاکم است که مردم ایران را از داشتن زندگی عادلانه و شرافتمندان محروم کرده است. کودکان را از داشتن دارو و بیمارستان و مدرسه محروم کرده است. به جای آن انبوه انبوه موشک می سازند و بودجه سپاه تروریستی قدس را برای خانه خراب کردن مردم عراق و یمن و سوریه هزینه می کنند. پس این رژیم است که هولناکترین تحریمها را به مردم ایران طی ۴۰ سال وارد کرده است. آنها که ضد تحریمها هستند، اگر می توانند، که البته نمی توانند و نمی خواهند، باید بر این حکومت فشار بیاورند تا دست از اقدام علیه مردم ایران بردارد.

قیام آبان بیش از هر هنگام همه دیدگاهها، چشم اندازها و راه حلها که بر اساس آن اتحادها، تشکلهای و اقدامات شکل می گیرد را عریان کرد و به سطح آورد. نشان داد که مبارزه مردم با رژیم جدی است. شوخی در کار نیست. جنگ واقعی حکومت با مردم است. شعار جنگ تا بجنگیم یک شعار واقعی است. ما جمهوری اسلامی نمی خواهیم رهبر الدنگ نمی خواهیم واقعی است. این

قیام خونین آبان ۹۸، دستاوردها و چشم اندازها

بقیه از صفحه ۶

جووانانه ای که آغاز شده در عرصه های مختلف مسائل فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی انشالله به زودی خواهیم دید.»
بارد صلاحیت کردن فله ای کارگزاران حکومت برای نمایش موسوم به انتخابات معلوم می شود که جوان کردن مدیریت به معنی وارد کردن انبوه پاسداران سرکوبگر ابتدا در مجلس و سپس در دولت است. این چشم اندازی است که حکومت و در راس آن خامنه ای تصویر می کنند.

نکته دوم در مورد چشم انداز، نقش تحریمها در حکومت و در جبهه مردم است. ضربه تحریمها به رژیم کاملاً روشن است. اما نکته مهم این است که برخی تبلیغ می کردند که تحریمها جنبش مردم را به سکون می کشاند و در مواردی آنان را با حکومت همسو می کند. واقعتهای دو سال گذشته که تحریمها جدی شده، عکس این نظریه را نشان می دهد.

نکته سوم در ارزیابی چشم انداز این است که آیا خیزشها مردمی جریان پیدا می کند؟ آیا رژیم سرنگون می شود؟ آیا باید به این رژیم فشار وارد کرد؟ چه ابزارهایی برای این فشار وجود دارد؟ آیا رژیم خودش فرو می پاشد، یعنی زوال پیدا می کند؟ یا باید آن را برانداخت؟

پاسخ ما چنین است: رژیم به خودی خود سرنگون نمی شود و باید آن را ساقط کرد. اکثریت قاطع مردم ایران و حتی کارشناسان این رژیم و نظریه پردازان خارج از ایران به این موضوع پرداخته اند که پایان عمر رژیم فرارسیده است.

برای سرنگونی آن زمان نمی شود گذاشت. برای پیروزی انقلاب به نظر من نمی توان تاریخ تعیین کرد. اما به طور قطع این مردم ایران و با نیروی سازمانیافته مقاومت است که رژیم را سرنگون خواهند کرد.

یکی از نشانه های دوران پایانی رژیم، ایجاد الترناتیوهای عموماً مجازی است. از الترناتیوهای یک روزه تا چند هفته ای تولید می شوند. اما این الترناتیو ها متأسفانه جدی نیستند. حتی برای عملی شدن حرفها و باورهای خودشان هم تلاش نمی کنند. بلکه بیشتر ساده کردن تغییرات بزرگ به نفع خودشان است. هدف برخی از این الترناتیوها تخریب نیروهای مبارز جدی است تا سرنگونی حکومت. بعضیها هم که دلشان برای دیکتاتوری شاه و حکومت موروثی تنگ شده که باید به آنها یادآور شد که این رژیم میوه و محصول دیکتاتوری سلطنتی است. مردم ایران از این دیکتاتوری گذر کرده اند.

خلاصه کنم: بحران انقلابی ادامه خواهد یافت و سرنگونی رژیم در دسترس است. رژیم خود بخود سرنگون نمی شود و باید آن را برانداخت و مساله اصلی سازماندهی انقلابی به منظور مداخله در امر انقلاب است. موضوع الترناتیو و رهبری در عمل انقلابی خود را نشان می دهد. موضع سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به عنوان یک عضو شورای ملی مقاومت ایران و پیشنهاد ما البته روشن است و همگان از آن اطلاع دارند.

حرفهایم را با فرازی از بیانیه توضیحی «پیرامون قیام سرنوشت ساز کارگران، تهیدستان و مردم آزادیخواه» خاتمه میدهم: «ما قیام همگانی و استفاده از تمامی اشکال مبارزه را حق مسلم مردم ایران می شماریم. سازمان ما ایجاد هسته های مخفی مقاومت، تشکیل هسته های کوچک رسانه ای و خبر رسانی، ایجاد کمیته های مخفی عمل و شوراهای هماهنگی، سازمانیابی برای نافرمانی مدنی و ... را راهکارهای ایجاد بی شمار کانونهای شورش می داند. این راهکارها اشکال مناسب و عملی برای هماهنگی مبارزه کارگران، معلمان، کارمندان، مزدبگیران، پرستاران، دانش آموزان، دانشجویان و جوانان، زنان، روشنفکران، فرهنگیان و هنرمندان است و ما به سهم و توانایی خود در این مسیر تلاش می کنیم.»
سپاسگزارم که به من گوش کردید

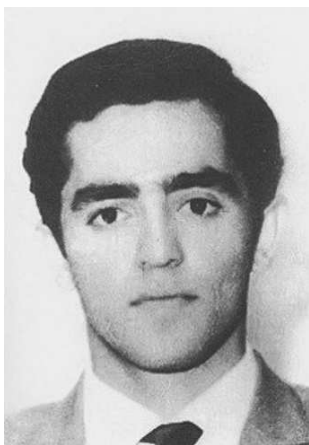
با من بیا

پابلونرودا

(ریکاردو_الیسر_نفتالی_ریس_باسوآل تو)

برگردان: امید آدینه

تقدیم به جانِ فدا، رفیق
مسعود احمد زاده هروی



با من بیا

همین لحظه:

تا فلاکت و آتش و شقایق

تا زخم دیرینه و رنج مضاعف

و آن سوتر!

تا بستی بی شمارانِ غضب و تاول

آری:

سمت کودکان به بغما رفته

همان نطفه های ماتم و

نغمه های حسرت

که گویی

قاصد درد و سفیر رعشه

در اعماق گنگ خیابان آند

با من بیا

اکنون در همین ثانیه های پُر طنین و بی تکرار:

بیا تا زنان فاحشه به اجبار را

تا خون ماسیده بر لبان کارگران را ببینی

و بشنوی که چگونه ...

صدای سرد و ناسورشان

در خانه های شب گرسنگی

به خواب می رود

با من بیا

همین لحظه:

تا دره های رزم

و دروازه های مقاومت

بیا تا هجرت یاد و باغ در معبر موج کوب معما

تا خلق های لکنت گرفته بر ضرباهنگ خشم و

نقاب

تا آنجا که!

اربابان جنگ و

خداوندان ثروت را

لمس کنی

با من بیا

اما صبور و ساده: همچون خنیاگری مغرور

با من بیا

ولی اهسته و آرام ... روی سمفونی اکنون

بیا تا انبوه عدم بر ترازوی غبار اندود و واژگون

مانده ی عدالت



نسل بی تکرار

مرجان

ما نسل، بی تکرار بودیم

نسل سرود و شوق و شور بیقراری

نشکفته گل های، که پیر شد ز طوفان،

رقصاز، به روی چوبه های دار بودیم

بیگانه با آرامش و آسودگیها

میزبستیم بیز، کتاب و روزنامه

از آفتابکاران، جنگل، م، نوشتیم

با ظلم ظالم در صف بیکار بودیم

بالشت ما سیمان، سخت انفرادی

یاهایمان، مجروح و درد آلود و خونین،

با آرمان ها عهد و پیمان بسته بودیم

ما آشنای جوخه و رگبار بودیم

تاریخ را شاهد بگیرد

ما نسل بی تکرار بودیم

در تندباد حادثه از یاد رفتیم

در بازی کفتارها بر باد رفتیم

اما قسم بر آسمان پرستاره

یاد رفیقان، زنده م، گردد دوباره

وقتی که شب رفت و گل خورشید خندید

آنجا به یاد نسل بی تکرار باشید:

روییده از خاکستر حلاج بودیم

رقصان به روی چوبه های دار بودیم

ایران، بهمن ۱۳۹۸

تا شیارهای طمع در زیارت نامه ی فقر

و چهل و حادثه

و تا همین کابوس نزدیک:

زندانی نور و فریاد، زندان واژه و رویاً

زندانی شلاق نشان که

فرزندآن آه و آفتاب را

بلعبیده است

و مانند هزاران هزار قتل گاه دیگر

حکایت ها از

مسلخ و مرگ دارد و

سنگ فرش مسیر اش

به چوبه ی دار و بی گناهان،

ختم می شود

با من بیا ...

بگذارید برگردیم

فدریکو_خسوس_گارسیا_لورکا

برگردان: امید آدینه

تقدیم به جان فدا، رفیق امیر پرویز پویان



بگذارید برگردم:

برای ناتمامِ خاطرات

برای پرواز

و برای ابدیت یک بوسه و

کوچه ای فراموش شده در انتهای پاییز گون حافظه

بگذارید برگردم ...

بگذارید پال نواز فرشته گان

بر غریب گستر کهن سالِ سرزمین ام

بتابد

و من،

از دقایق بی مرز

از حوالی دریچه و دریا

عبور کنم

شاید که!

هر آدمی نیز

به تمثیل من و پرندگان

این ژنده پوستینِ بطالت را

رها کند:

و مشعلِ اندیشه و

ترد احساس

تقدیر انسانِ معاصر شود

آری ...

ای گزمه های وحشت و فریب

و ای شوم زادگانِ مقدس پیشه ی مناره پرست

که نطق و نگاه و تقوای تان

سراسر،

جنون و دشنه و تابوت است:

بگذارید

تا چنان قوها

برگردم

و در برابر نفرت و دروغ

تصویری یا نجوایی از آینه و آسمان باشم و

خیانت پوش سایه ها را

به هر خلق محروم و مظلوم، خبر دهم!

بگذارید

برگردم

سه شعر تقدیم به سازمان پُر افتخارچریکهای فدایی خلق ایران
و رفقای به خون خفته سیاهکل

هوشنگ اسدیان (پگاه)



"سیاهکل جنگلِ سرخِ گر گرفته"

در سکوتِ غمینِ تاریک و وحشتناک
شب پرستانِ تباهی هولناک
به خیال خود در سریرِ قدرت
آواز دادند، ثبات و آرامش و مکت.

این نه آوازِ ثبات شاه

بل، عوعوی بومیِ پلید

که در خرابه اش؛

به صدا درآورد، ناقوسِ مرگش.

آتشی که در جنگلِ سیاهکل زبانه کشید؛

بیچاره شب پرستان را

ز آرامشِ خیالی پراند،

به کابوسِ وحشت براند.

جنگلی غنوده در چرمان و سردی

زندگی شد و تبلور امید و گرمی

عقابان بلند تیز پرواز

سرود فتحِ قلعه، کردن آغاز.

پانزده ستارهٔ مُشعل

پانزده کبوترِ خونینِ بال

پانزده چریکِ فداییِ خلق

از شفق تا فلق؛

رفیق صفاییِ فراهانی و یارانش

این پیشقراولانِ آزادی و سوسیالیزم

زبانه های آتشِ این جنگلِ سرد و نفس بشکسته بودن.

از برای رفع جور و ستم

از برای رهایی ز غم

از برای صلح و نان

دست، شستن ز جان.

از برای به یکسان بر سر سفره نشستن

با تو بودن؛ عشق ورزیدن

سیاهکل؛ جنگلِ سرخِ گر گرفته

ستاره باران شد.

"کشت و کار"

اگر مجالِ کشت و کاری بود

تمام زمین فقر را آباد می کردم

و از بوی گندم

تو هم مستانه آواز می خواندی

آوازِ ناز می خواندی.

اگر مجالِ کشت و کاری بود

داس فقر را که هرزه علفی را هم نمی چید،

به خاک می سپاردم.

با همت کشت کاران؛

زمین را نو آباد می کردیم.

اگر مجالِ کشت و کاری بود،

داسِ زندگی را تیز می کردم

بر سر زمین پر بار

هلهله زن

آواز برداشت میخواندم.

اگر مجالِ کشت و کاری بود؛

با هم محبت می کاشتیم

و عشق بر میداشتیم

اگر مجالِ کشت و کاری بود.

"سیاهکل"

مغروری، به انسان غرور می بخشی

عمیقی، به انسان ژرفا

جاری، به انسان شکوه

آشناری، به انسان بارش

دستی، به انسان وسعت

مغرور با غرور

عمیق با ژرفا

جاری با شکوه

آشار با بارش

دشت با وسعت

غرور تو زندگی است

ژرفای تو جان است

بارش تو عشق است

شکوه تو انسان است

وسعت تو زیبایی است

زیبایی، عشق می آفریند

عشق، انسان می آفریند

انسان، جان می آفریند

جان، زندگی می آفریند

زندگی

جان

انسان

عشق

زیبایی

روزی ما دستان همدیگر را خواهیم گرفت.

پیامهای رسیده به بزرگداشت چهل و نهمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

پیام یکی از فعالان اجتماعی

از منطقه سیل زده در جنوب لرستان

با درود بیکران به فرزندان ایران زمین آنها که رفتند، آنها که راه را با خون خود هموار کردند، آنها که نخستین بوته های خار را از ریشه زدند و به جای هریک شقایق کاشتند، آنها که مردابها را خشکاندند تا چشمه ها جاری شود، آنها که شلیک گلوله های شان کفتاران زمان را از خواب خوش پراندند، آری شجاعت جوانان در سیاهکل در تاریخ برای همیشه ماندگار شد. چهل و نهمین سالگرد حماسه سیاهکل است و برای همه عزیزان پرپر شده اشک ماتم می ریزیم. از طرف هموطنان سیل زده جنوب لرستان بیاد این عزیزان هستیم محبتهای سازمان در جریان سیل خانمان برانداز که فراموش مان نکرده اند را از یاد نخواهیم برد و همراه و هم پیمان هستیم تا براندازی این حکومت ظالم.

چهل و یک سال است، بله چهل و یک سال است که مردم جز دروغ و تبلیغات دروغ از این حاکمان ظالم چیزی ندیدند؛ حاکمانی بر پایه دروغ، انقلابی شدند در حالیکه در انقلاب سهمی نداشتند و حرکتی مثبتی در پیروزی مردم نداشتند. اینها با تزویر و دروغجویی و وعده های پوچ چهل و یک سال است بر مردم ظلم و ستم می کنند. استفاده از امکانات رفاهی فقط برای حکومت داران است و مردم همیشه می باید صحنه ها را پر کنند تا حاکمان ظالم فریب تر شوند.

اما امروز به هر ده کوره ای هم گذر می کنیم، به باطن و ذات این ستمگران، بی برده اند و مردم آگاه و آگاه تر شده اند و دیگر دروغ و تبلیغات جواب نمی دهد. مردم به این باور رسیده اند که خسارات این حاکمان به مراتب بیشتر از دشمنان خارج است. البته مردم ایران در دنیا دشمنی ندارند. چهل و یک سال به مردم القا کردند دشمن در کمین است و مردم دیگر فهمیده اند همه اش دروغ بود دشمنی در کار نبود و دشمنان، جان و مال و ناموس این مردم فقط این حاکمان ظالم به سرکردگی، خامنه ای ملعون هستند که نخبگان را کشته و می کشند، امید را در زندگی، یایمال کردند، ایرانیان را منزوی کردند، ولی مردمان ایران، بیدار شدند و برای رفاه و آسایش فرزندان شان در حال جنگ هستند. نمونه بارز آن، قیام آبان، ماه بود که حکومت ظالم در یک حرکت سرکوبگرانه اینترنت را قطع کرد و به مدت ده روز جوانان را قتل عام کرد. ۱۵۰۰ نفر از ایرانیان را کشتند، انکار کردند و به خیال خود حکومت ظلم را با این کشتار وقیحانه بیمه کردند. غافل از آنکه این مردم جان، به لب رسیده دیگر کوتاه نخواهند آمد با هیچ وعده و وعیدی، دیگر هیچ سناریویی آنها را گول نمی زند.

دوستان! در سیلهای جنوب لرستان بنیان زندگی مردمان از بین رفت و اگر کمک هموطنان سراسر کشور نبود، چه فاجعه هایی که رخ نمی داد. هزاران وعده دروغ دادند و حال بعد از گذشت ده ماه از سیل، مردمان این دیار خانه و کاشانه ای برای زندگی ندارند خانه های نیمه کاره به حال خود رها شده و دیگر هیچ مسوولی جوابگو نیست. وظیفه انسانی ایرانیان آزاد اندیش خارج از کشور روشنگری هرچه تمام تر این جنایات است جامعه جهانی را آگاه کنند اجازه ندهند این حکومت ظالم بر روی جنایاتش سرپوش بگذارد و همه باهم برای رهایی ایرانیان از چنگال حاکمان ظالم و خونخوار و شخص خامنه ای ملعون تلاش کنیم

به امید فردایی روشن برای فرزندان ایران زمین با الگو گرفتن از حماسه سیاهکل
رحمان جاری ... بهمن ۱۳۹۸

پیام یک فعال دانشجویی از تهران

(کوتاه شده)

با عرض درود و احترام و به پاس گرامیداشت چهل و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل سخن ما برگرفته از پیام خیزشهای مردمی، راهگشای نابودی جمهوری اسلامی و با حضور فرزندان مصمم ایران، از معلمان، دانشجویان، کارگران، پزشکان، پرستاران و ... است.

با آنهایی سخن می گوئیم که در سالهای اخیر با ایجاد موجهای اعتراضی گسترده برای رسیدن به هدف سرنگونی جمهوری اسلامی از دی ماه ۹۶ تا دی ماه ۹۸ لوزه بر اندام رژیم افکنده اند

بله باید تکرار کنیم تکرار اینکه انقلاب عمومی ملت نیازمند سازماندهی است. در عین حال شرط اول سازماندهی دیگران، "سازماندهی خود" است. بدون وجود تشکیلات و سازماندهی، پیروزی موجهای اعتراضی برای رسیدن به هدف مطلوب غیر ممکن است.

در نتیجه ما برخی از فعالین داخل به این نتیجه رسیده ایم که بعد از "دوره افشاگری" و "دوره اعتراض" که باید همچنان نیز ادامه دار باشد اکنون باید به دوره سازماندهی وارد شد، هسته های مخفی تشکیل داد و به مبارزات مدنی و اعتراضی مردم سامان بخشید. این فعالیت در حال حاضر اگر چه نیازی به مبارزه مانند رستاخیز سیاهکل ندارد و ربطی به ایجاد تشکیلهای پارتیزانی برای حمله به پادگان های رژیم، یا سر به نیست کردن آخوند محله و از این دست ندارد. با این حال باید خود را برای هر نوع شکل و ابزار مبارزه آماده کنیم تا در شرایط مشخص، پاسخ مشخص داشته باشیم. زنده باد آزادی و درود بر رفقای فدایی پیشگامان مبارزه با دیکتاتوری

دانشجوی فعال سیاسی. تهران ... بهمن ۹۸

پیام یک فعال کارگری

که به تازگی از ایران خارج شده

قیام سیاهکل حرکتی از میان پرشورترین، انقلابی ترین، پیشروترین و فداکارترین نسل جوانان آذربایجان ایران در برابر رژیم ستم شاهی بود؛ رژیمی که گرچه پاک ترین و شجاع ترین آزادگان کشور را شکنجه کرد و یا به قتل رساند، اما در نهایت چاره ای جز زانو زدن در برابر بی باکی و از جان گذشتگی انقلابیون نداشت.

گرامی باد یاد و خاطره رفقای حماسه ساز جنبش سیاهکل که با دستان خالی چنان طوفانی به پا کردند که نه تنها لوزه بر اندام خونخواران و نوکران امپریالیسم انداخت، بلکه به توده ها نیز نشان داد در پس هر ابر تیره ظلم گستر، آفتاب روشنائی و امید همچنان پابرجاست. بهمن ۱۳۹۸

پیام جمعی از فعالان کمونیست

(دانشجویان سابق)

حماسه سیاهکل با شلیک اولین گلوله، شروع عزیمتی شد از تنها معبر دوران به سوی یگانگی و فریاد تاریخ که هر روز برای تغییر نهایی آماده تر می شود.

سیاهکل نمود روشن یک موضع سیاسی و تعهد اجتماعی و طبقاتی است که آگاهی بخش و نیروی محرک بی بدیل جنبش انقلابی در راه تحقق بخشیدن به آرمان سوسیالیسم شد.

به گفته رفیق کبیر بیژن جزنی، سیاهکل سنتز مبارزات گذشته جنبش کارگری و جنبش رهایی بخش، بیان کننده آن ضرورت تاریخی در شرایط اختناق و سرکوب تاریخی است که در برابر جنبش انقلابی قرار گرفته است.

ما در این راه بر نقش استراتژیک چریکهای فدایی خلق به مثابه پیشروترین جریان انقلابی مارکسیست - لنینستی تا زمان حاضر تاکید می کنیم. درود می فرستیم به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران که چون پرتوی درخشان، بدون انحراف پیرو این یگانه استراتژی رهایی از استثمار و بهره کشی بوده است.

ما جمعی از فعالان چپ در ایران تلاش می کنیم پیرو راه آنها باشیم.

گرامی باد حماسه سیاهکل

پر رهرو باد راه آنها

بهمن ۱۳۹۸

پیام جمعی از مبارزان سیاسی، کنشگران

و فعالان مدنی لرستان

بدون تردید حرکت های مهم تاریخی به طور برجسته علت و عامل آغاز کننده ای دارند که به تدریج پیش می روند تا رویدادهای بزرگ را خلق کنند در این راستا شکی نیست واقعه مهم سیاهکل که توسط سازمان چریک های فدائی خلق آفریده شد، هیبت و هیمنه کذایی و واقعی نظام استبدادی شاه را نه تنها زیر سوال کشاند، بلکه به شدت فضای رعب آفرین و مرعوب کننده حاکم بر جامعه توسط دستگاه های امنیتی و میلیتاریستی شاه را هم شکست که از حیث سیاسی علاوه بر اینکه دستاورد بزرگی برای همه مبارزان انقلابی محسوب می گردید، از جهت تعمیق و گسترش انواع جنگهای چریکی از نوع شهری و روستایی و کوهستانی هم راه ها و انگیزه هایی را در میان نیرو ها و سازمانهای انقلابی همسو با مشی و اهداف فدائیان خلق و دیگر مبارزان سیاسی را تقویت و به وجود آورد.

در این میان نمونه بارز و روشن آن، جریان مبارزاتی معروف دکتر هوشنگ اعظمی لرستانی و گروه آرمان خلق با مبارزین مشهور و مقاومی همچون همایون کتیرایی و چند گروه سیاسی دیگر می باشد که در مناطق شهری، روستایی و کوهستانی لرستان به عنوان یک حرکت مبارزاتی و انقلابی به نحو چشمگیری نظام استبدادی حاکم را به ترس و تکاپو و واکنش انداخت.

تا حدی که در استان لرستان علاوه بر بسیج سازمان های سرکوبگر موجود مثل ساواک و شهربانی و ژاندارمری، حکومت مجبور شد که نیرویی هم تحت عنوان مقاومت ملی در مقابل آنها تشکیل دهد تا بتواند از عهده مقابله با آنها در بیاید که با توجه به وقت و زمان اندک این گردهمایی، از ذکر همه حرکات و مبارزات چریکی و انقلابی آنها در سطح شهرهای لرستان و تاثیرشان بر افکار و اذهان عمومی مردم در پیش و پس از انقلاب می گذریم و فقط به ذکر این نکته مهم بسنده می نماییم که یاران و رفقای بازمانده دکتر هوشنگ اعظمی و گروه آرمان خلق همچون توکل اسدیان، سیامک اسدیان و دیگران در فردای مبارزات سیاسی و چریکی پس از انقلاب ناتمام ۵۷، جزو نیروها و فرماندهان شاخص سازمانهای سیاسی شدند و از آن مهمتر تاثیرات سیاسی و مبارزاتی می باشد که این جریانات بر فرهنگ سیاسی مردم لرستان و حتی هنر و موسیقی آن تا امروز به صورت پایدار بر جا گذاشته اند. بقیه در صفحه ۱۰

پیامهای رسیده

بقیه از صفحه ۹

پیام رفیق امید آدینه

از طرف برخی از فعالان سیخفا

این ذره ذره گرمی خاموش وار ما، یک روز بی گمان، سر می‌زند ز جایی و خورشید می‌شود ...

در چهل و نهمین سالگرد بزرگترین رستاخیز و مهم ترین جنبش رهایی بخش معاصر ایران زمین، یعنی حماسه ی سیاهکل در ۱۹ بهمن ماه ۱۳۴۹ هستیم.

بعد از طی طریق در طول سالهایی پرفراز و نشیب در جبهه چپ و سایر احزاب گوناگون ایران، باید قاطعانه گفت و مصمم نوشت: که حماسه سیاهکل (این سپهر سیاسی) نقطه عطفی بی بدیل و بی نظیر در شعور اجتماعی و شرافت فرهنگی سراسر خاورمیانه است که به نماد عاطفه و مظهر مقاومت آن فاتحان سپیده دم و آذرخشان سرخ گون تبدیل شد و در قلب خلقها و ذهن تاریخ به ثبت رسیده و نهادینه شده است.

آری، پیشاهنگان سیاهکل، حاصل رنج و خشم و استقامت توده های زحمتکش جامعه، و نیز اوج پیوند صادقانه و جسورانه اندیشه و عمل بودند که با پیکار پرخروش و بی دریغ شان، چهره نوینی از تفکر سیاسی و جنبش عدالت خواهان، در نتیجه تکامل چپ انقلابی مارکسیستی را در دوران خفقان پهلوی به منظر ظهور آوردند.

آنان، حماسه سازان سیاهکل، ضمن پیام رهایی برای اقشار ضعیف و تحت فشار خلق ایران زمین، توانستند فضای فوق امنیتی را بشکنند و ساختارهای به شدت استبداد زده نظام ددمنش ستم شاهی را زیر ضربات کوبنده خود بگیرند. و البته قابل ذکر است که این رویداد ستبر و سترگ چریکی و مسلحانه روحیه ای مضاعف را در پیکره ی سیاسی ایران دمید و حتی موجب تحسین و شگفتی سایر احزاب و انقلابیون خاورمیانه گردید، زیرا که حکومت تابوت گستر پهلوی به مانند یکی از هار ترین و منحوس ترین سگان وابسته به امپریالیسم آمریکا محسوب می‌شد.

بی‌شک، این نبرد نابرابر، رزم مشترک و حرکت انقلابی رفیقان فدایی، در تقابلی نزدیک با دو نیروی سرکوبگر و انحصار طلب شاه و شیخ قرار گرفته که آشکارا، و به طرز غریب و عبرت آموزی در یک قاب سفید و سیاه جا گرفته اند.

سخن کوتاه: بار دیگر با یاد و نام و خون آن فرزندان خاک و خورشید، تجدید عهد می‌کنیم و با عزم و اراده ای راستین و راسخ، خطاب به اهریمن و ابلیس زمانه (رژیم سفاک اسلامی) فریاد می‌کشیم: ما نیز چونان یاران شهیدمان از تبار کوهیم و از نطفه جنگل زاده شده ایم؛ و پیوسته و پولادین، در حضور لاله پوش این ستاره و بر امتداد غضب اندود آن سنگر صلح و آزادی خواهیم ایستاد تا سرانجام میان ما و ظلمت، واژگان و تفنگها قضاوت کند.

خاطره و قیام رفیقان فدایی و حماسه سازان سیاهکل گل گون گرمی و راه شان برهرو باد!

زنده باد صدای سوزان پیشگامان و پیشتازان مبارزه علیه امپریالیستها و سرمایه داران دیکتاتور ماب و مذهب سرشت.

تا ابد برافراشته باد پرچم پُرافتخار کمونیسم هرچه گسترده‌تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی که تنها راه رسیدن به آزادی است
بهمن ۱۳۹۸

پیام رفیق م. وحیدی

زنده آنهازند که پیکار می‌کنند؛

آنان که جان و تنشان از عزمی راسخ آکنده است؛

آنها که از نشیب تند سرنوشتی بلند بالا می‌روند؛

آنها که اندیشمند به سوی هدفی عالی راه می‌سپارند

و روز و شب

پیوسته در خیال خویش یا وظیفه ای مقدس دارند،

یاعشقی بزرگ.

«ویکتور هوگو»

حماسه سیاهکل تصویری ارزشمند و خونبار از تاریخ میهن ماست، پیکار کسانی ست که معنای زندگی را کشف کردند، سرود پایداری خواندند و فردایی روشن و تابناک را نوید دادند.

این جنبش قطب بندیهای سیاسی را بارز و برجسته کرد و صف بی عملی، سازش کاری و عافیت طلبی را از هم جدا نمود و زنگ آغاز پایان ستم و دیکتاتوری سلطنتی را به صدا در آورد. واقعه سیاهکل شتاب بیشتری به جنبشهای انقلابی داد و هنر انقلابی، به خصوص شعر نو را سمت و سو داد و فصلی نوین در این رابطه گشود.

اگرچه خمینی و فاشیسم آخوندی درخلاء رهبران انقلابی در سال ۵۷ قیام مردم برای آزادی و عدالت را ربود و ملاخور کرد، اما شعله مبارزات مردم بپاخاسته هیچگاه فروکش نکرده و در سرفصلهای مختلف از جمله در قیام آبانماه ۹۸ با بیش از ۱۵۰۰ شهید ادامه یافت و می رود تا با انقلابی فراگیر و توده ای و با کانونهای شورشی بساط جانین و ستمکاران آخوندی را با همه دسته بندی ها و باندهای درونی آن از ایران زمین برچیده و حاکمیتی را که از گورستان برآمده است، به همان گورستان بازگرداند.

سوکند به خون یاران و رفیقان ایستاده ایم تا پایان

سلام بر فدایی، سلام بر خلق، سلام بر آزادی، زنده باد

سوسیالیسم

بهمن ۹۸ - م. وحیدی (م. صبح)

پیام یک معلم پیشرو از لرستان

با درود

۱۹ بهمن ماه یادآور رشادتها و از خود گذشتگیهای رفقای بود که داغ ستم بر کارگران و زحمتکشات بر دلشان نشسته بود و این آتش فروزنده موجب ایجاد حرکتی شده که شب پرستان و حافظان ستم و در راس آنها جهانخواران را تکان داد و نوید بخش رهایی زحمتکشان است.

سیاهکل بذری بود که بر خاک پاشیده شد و اینک می بینیم برخلاف سرکوبهای سهمگین، جوانه های آن در هفت تپه و دانشگاه ها و در مدارس توسط معلمان آگاه سر برآورده و درخت تناور مبارزات مردمی است که برای احقاق حق خود پافشاری می‌کند.

آری جنبش سیاهکل فریاد فروخته جوانانی بود که از سیاهی راهی به سوی نور می‌جستند و در پی برپایی نظامی به دور از تبعیض و ستم بودند. یاد و نام تمامی رهروان راه رهایی همواره گرامیست. هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شده به عشق.

یاد و نام این عزیزان گرمی باد و امیدواریم راهشان که در جهت سعادت مردم ایران بوده، پر رهرو باشد. دست از طلب ندارم تا کام دل بر آید یا جان رسد به جانان یا جان ز تن در آید.

لرستان، بهمن ۹۸

به گونه ای که هنوز جوانان لر نه تنها ترانه ها و اشعار حماسی و انقلابی که در وصف دکتر هوشنگ اعظمی و همایون کتیرایی گفته شده است را زمزمه و بر زبان دارند بلکه نام و یاد اعظمی هم الهام بخش مبارزات و فعالیتهای سیاسی آنها می باشد

رویدادها و رخدادهای مهمی همانند قیام مردم خرم آباد در سال ۷۹ به حمایت از دانشجویان که شهر را تا یک هفته در اختیار خود داشتند و یا پیشگام شدن شهرهای لرستان همچون دورود و نورآباد (دلفان) در قیام دیماه ۹۶ که شعله خشم و اعتراض را به سایر شهرها و مناطق کشور گسترش داد، از جمله پیامدها و دلایلی است که بر بستر مبارزات تاریخی شکل گرفته در طول پنج دهه اخیر به وجود آمده است و هم اینک باز هم در تداوم روند مبارزات رهایی بخش مردم ایران بر علیه نظام استبدادی آدمکش آخوندی،

ما جوانان، زنان، دانشجویان، مبارزان، روزنامه نگاران و همه کنشگران سیاسی و مدنی با الهام از حرکتهای مبارزاتی جریانات سیاسی پیش از سرنگونی شاه و با سر مشق قرار دادن دکتر هوشنگ اعظمی و همایون کتیرایی به عنوان اسطوره های انقلابی خلق لر و دیگر مبارزین عزیز کشورمان، مصمم و مصر هستیم تا با هماهنگی، وحدت و یکپارچگی با همه ملت و مبارزین، راه، اهداف و آرمانهای عدالت خواهانه و رهایی بخش آفرینندگان واقعه تاریخی سیاهکل را تا انتهای خط محو و نابودی و سرنگونی نظام استبدادی دینی حاکم در اشکال متنوع و گوناگون آن ادامه دهیم، چه آن موقع که لازم باشد همچون قیام دی ماه ۹۶ پیشگام باشیم و چه همانند آبان ماه امسال در هماهنگ با شهرها و دیگر مناطق کشور به میادین و خیابانها بیاییم و چه به شکل اعتراض مدنی، فعالانه احاد ملت و مردم را از شرکت کردن در انتخابات نمایشی مجلس منع و مانع شویم زنده باد قیام و مبارزه و نابود باد استبداد و دیکتاتوری حاکم و هر گونه تفکر و برنامه استبدادی دیگر که خائنانه قصد بازتولید استبدادی دیگر به جای استبداد موجود را دارد

جمعی از مبارزان سیاسی، کنشگران و فعالان مدنی
بهمن ماه ۱۳۹۸

پیام یکی از هواداران سازمان

درد و سیاست بر رفقای گرانقدرم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

چهل و نهمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل،

پرچمداران مبارزه راستین و کمونیستهای پیگیر علیه

ظلم و ستم را تیریک می‌گوییم.

آینده ز ماست بی کم و کاست.

دیر نیست، دور نیست به سرانجام رسیدن انقلاب خلق. پیروزی و پایداری نیم قرن مبارزه پرافتخار بر مردم ایران و شما مبارک.

کارن ... بهمن ۱۳۹۸

پیام برخی از هواداران سازمان

در منطقه پارس جنوبی

۱۹ بهمن، چهل و نهمین سالگرد حماسه سیاهکل گرمی باد، روزی که چریکهای فدایی خلق پاسگاه ضد خلقی سیاهکل را خلع سلاح کرده و برگ زرینی را در مبارزه علیه دیکتاتوری شاه گشوده و ظنین مسلسلهای شان خواب را از چشمان مزدوران و سرسپردگان ربود. راهی که آن رفقا شروع کردند را تا برقراری دموکراسی، عدالت و سوسیالیسم که اهداف نهایی آنان بود، همچنان ادامه می‌دهیم.

بهمن ۱۳۹۸

شب شور و حرکت همایش چهل و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل برگزار شد



روز شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۸ برابر با ۸ فوریه ۲۰۲۰، مراسم بزرگداشت چهل و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در شهر کلن (آلمان) با شرکت پرشور شمار زیادی ایرانیان آزادپنخواه برگزار شد.

برنامه را رفیق کامران عالمی نژاد شروع کرد. او در سخن آغازین گفت: «شهیدان خلق از بهمن تا دی بیهوده نمرده اند، این ملت دوباره به پا خاسته است تا جنگی که شاه و شیخ علیه اش آغاز کردند را تا به آخر پیش ببرد و تاریخ خود را کلمه به کلمه از نو بنویسد.» وی در پایان یک دقیقه سکوت اعلام کرد و به دنبال آن یک نمادنگ به نام «تاریخ یک حماسه»، در گرامیداشت قیام سیاهکل به نمایش درآمد. آنگاه رفیق فتحی سروده ای از رفیق مرجان، ارسال شده از ایران را قرائت کرد و پس از آن یکی از سروده های خود را خواند.

آنگاه رفیق امیر ابراهیمی بخشهایی از بیانیه سازمان به مناسبت چهل و نهمین سالگرد حماسه سیاهکل را به آگاهی رساند. سپس کلیپ دیگری در گرامیداشت و یادآوری نام و نشان شهدای قیام آبان ماه امسال پخش شد.

در بخش بعدی همایش، رفیق زینت میرهاشمی در جایگاه سخنران قرار گرفت و به شرح و بسط «قیام آبان ۱۳۹۸، دستاوردها و چشم انداز» پرداخت. رفیق زینت در بخشی از سخنان خود گفت: «اکنون که وارد پنجاهمین سالگرد حیات سازمان چریکهای فدایی خلق ایران می شویم، آتش فروزان انقلاب رهایی بخش خلق پیاخته در سراسر ایران می درخشد. هدف رزمندگان سیاهکل آزادی، دموکراسی، برابری، صلح و سوسیالیسم بود. آنها می دانستند که این مسیر آسان و بدون هزینه نیست و برای همین از همه چیز - تأکید می کنم - همه چیز خود گذشتند تا مردم ایران به کرامت و زندگی انسانی دست یابند. آنها کمونیستهای بی عملی که فقط نظریه پردازی کنند نبودند. آنها معیار و محک تئوری را عمل می دانستند.

«آنها از نظریه عمیق مارکس دفاع می کردند که گفت: «فیلسوفان تا کنون تنها جهان را به شیوه های گوناگون تفسیر کرده اند، اما مساله اصلی تغییر جهان است.»

پیش از آغاز بخش دوم برنامه همایش، تنفس کوتاهی اعلام گردید که طی آن از حاضران در محیطی صمیمی و دوستانه با چای، قهوه و شیرینی پذیرایی شد. در بخش دوم ابتدا کلیبی از یک اجرای زیبا از سرود "رود" به نمایش درآمد، و پس از آن پیامهای رسیده به مراسم به آگاهی حضار رسید. امسال طیفهای گوناگونی در گرامیداشت سالگرد سیاهکل با ما شریک شده بودند که از جمله آنها باید به

رفقا: مرجان، امید آدینه و کارن از ایران و رفیق م. وحیدی از اشراف ۳ در آلبانی، جمعی از فعالان کمونیست (دانشجویان سابق)، برخی از هواداران سازمان در منطقه پارس جنوبی، یکی از فعالان اجتماعی از منطقه سیل زده در جنوب لرستان، یکی از معلمان لرستان، یک فعال دانشجویی از تهران، یک فعال کارگری از تهران که به تازگی از ایران خارج شده و جمعی از مبارزان سیاسی، کشتگران و فعالان مدنی لرستان.

در ادامه برنامه نوبت به بخش گفتگوی رودرو رسید که در آغاز رفیق هوشنگ اسدیان (پگاه) دو شعر از سروده های خود را قرائت کرد و آن گاه رفقا زینت میرهاشمی و مهرداد قادری با حضار به بحث و گفتگو پرداختند. مهم ترین موضوع این بخش مربوط به راهکارهای پیرامون سرنگونی رژیم، مساله تحریمها و می شد.



بخش پایانی برنامه به کارگاه هنر ایران اختصاص داشت. رفیق فریدون رضانی با اجرای چند ترانه - سرود، انگیزشی دیگر به همایش داد و با استقبال گرم حاضران روبرو شد.

همایش چهل و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در فضایی رزمنده و پر مهر با سرود جاودان انترناسیونال به پایان رسید.

همایش با دسته گل‌های تقدیمی شورای ملی مقاومت ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران، دفتر شورای ملی مقاومت ایران - برلین، جامعه ورزشی ایرانیان - آلمان و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران آذین شده بود.

دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
یکشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۹۸ - ۹ فوریه ۲۰۲۰

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی
هیات دبیران: منصور امان زینت میرهاشمی
هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع
همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیه
چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 421/ FEBRUARY 2020

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram ///@nabard_khalg --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E – KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalgh>



واژه گانم را عاشق کن

فتح الله کیائیه

واژه هایم را گم کردم،
چونان غزالی رمنده
گریختند.

هنگام که پشت کوه
گیسو بر شب فشانده
می خواندی
و غرور آوایت
بوی کرک پر(۱) می داد.

زاگرس هیچگاه اینگونه مست نبود
جز آن زمان که غمانم
دم کردم
در قوری شبق گونه ی نگاهت
و بوی کرک پر را
بر رقص ماهرانه ی زاگرس
چونان عطر لاله ی وحشی
آن لاله های سرنگون
پاشیدم.

رقصی چنان میانه ی زاگرس
در دره های پر از خون
دست در دست کولبری تنها
و خم شده زیرباری از ترجمان عشق
که مستی... عین راستی بود
و کولبر جوان
چونان سروی
اری اینگونه است که مردمان درد، رنج، شکنجه
می ایستند، می رقصند
اما
هرگز نمی میرند

این رقص ماست تماشا کن.
بر ساحل بخون نشسته ی نیزار

به ناز می نواخت
سه تار رهایی را،
تو را که بوی دشت پاک
جوی روان
و باروت رهایی بودی
بر ناف بار نشسته ی آهو
نافه گشودم
آنسان که مرغکان عاشق خونین بال
بنام به خواندند.

با سینه سرخ واژه هایم
بال بر بال طوفان
سفر کن، بچنگ.
بگذار خشم آسمان
تندر نشسته به قلبت را
چونان رعد
بر ابر یا تسه فرو آرد

می دانی:
اسب آرزوهایم
مادیان سرکشی است
که تو را
یکریز می تازد.

(1) بوته ایست خوشبو در دامنه های زاگرس.

این رقص ماست
که قفتوس وار نشسته به بیضه
در آتشی مدام که می سوزاند
و می پراکند خاکستر سرخمان
به ساحل جنگل
آنجا که عطر رقیقان
هنوز می پیچد به دامن البرز.
و نیزار تکثیر می شود
در قامت بلند فدایی.

این رسم عاشقی است که می رویاند
صدها هزار بنفشه و با بونه
و کرک پر

واژه هایم را مست عشق
چنان کن
که نجوایتان از پس کوه
بشنوم
امشب پلنگهای زخمی و عاشق
بیدارند.

هنگام که عاشیقهای سینه ام
گم شدند
زیرچتر موهابیت
که بر طبق هفت آسمان